

باغگلی، حسین (۱۳۹۳). معنویت‌های نوپدید (مواجهه‌ای متفاوت با «معنویت»). مجموعه سمینارهای تخصصی
تعلیم و تربیت اسلامی. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.



معنویت‌های نوپدید مواجهه‌ای متفاوت با «معنویت»

دکتر حسین باغگلی^۱

تاریخ ارائه سمینار: اسفند ماه ۱۳۹۲

مقدمه:

بحثی که قصد ارائه آن را در این جلسه دارم، در واقع بخشی از یافته‌های پژوهشی من در جریان تدوین رساله دکتری‌ام است. در رساله دکتری با عنوان «مطالعه انتقادی تربیت معنوی در دنیای معاصر (مقایسه معنویت‌های دینی و نوپدید)»، به دنبال آن بودم که بینم به‌طور کلی چه مواجهه‌هایی با مقوله «تربیت معنوی» وجود دارد، در دو رویکرد دینی و فارغ از دین چه تحلیلی از معنویت ارائه می‌شود و پیامدهای اقدامات تربیتی مبتنی بر هر رویکرد چیست؟

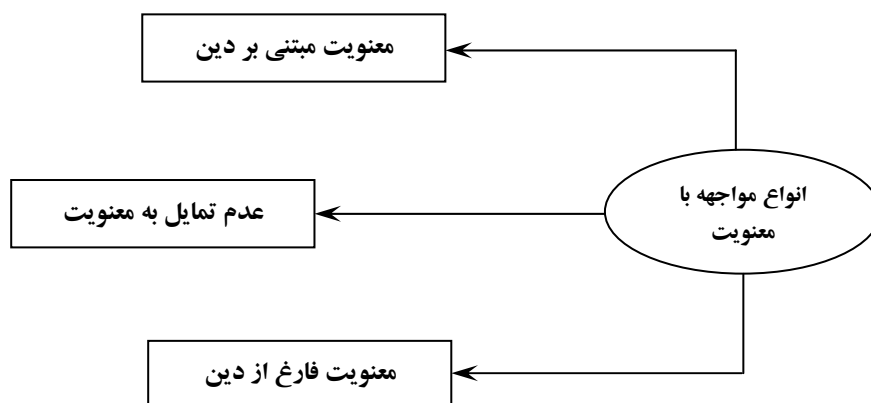
هر چند ورود به این بحث با این خوش‌بینی همراه بود که عنصر مشترک موجود در دو رویکرد مختلف (دینی و فارغ از دین) یعنی «معنویت»، می‌تواند عامل پیوند این دو نوع مواجهه با معنویت محسوب شود. اما بررسی‌های دقیق‌تر نشان داد که اشتراک مورد نظر در دو رویکرد (در مقوله «معنویت») بیشتر اشتراکی لفظی است تا محتوایی. در این زمینه مقاله‌ای هم با عنوان «نقد مفهوم معنویت در تربیت معنوی معاصر: معنویت دینی و نوپدید (اشتراک لفظی یا تشابه ذاتی)»؛ در فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی (شماره ۱۶) چاپ شده است و برای اطلاع بیشتر قابل

۱. استادیار گروه پژوهشی تعلیم و تربیت اسلامی در پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی؛ دانشگاه فردوسی مشهد

دسترسی است. با توجه به این دستاورد و فهم دقیق‌تر از تفاوت دو نوع مواجهه با معنویت، این مهم محرز شد که معنویت‌های نوپدید خود را رقیبی برای معنویت‌های دینی تلقی می‌کنند و در دنیای رقابتی امروز به دنبال ادعای کارآمدی بیشتر از رویکردهای دینی هستند. بنابراین کنجکاو شدم تا چگونگی حضور در این میدان رقابت را نیز به عنوان یک فعالیت جانبی در دوره پژوهشی دکتری در دستور کار قرار دهم. آنچه در این جلسه ارائه می‌کنم حاصل این کنجکاوی است.

انواع مواجهه با معنویت در دنیای معاصر:

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در دنیای معاصر سه نوع مواجهه کلی با معنویت را در دو دسته (تمایل و عدم تمایل به معنویت) می‌توان مشاهده نمود که در نمودار زیر نشان داده شده است:



همانطور که مشاهده می‌شود، جدا از اینکه می‌توان دو مواجهه تمایل و عدم تمایل به معنویت را از یکدیگر تفکیک نمود؛ در درون رویکردی که قائل به این است که معنویت در زندگی انسان کاربرد دارد نیز می‌توان دو مواجهه متفاوت (دینی و فارغ از دین) را از یکدیگر متمایز دانست. هر یک از این دو نوع مواجهه با معنویت دارای مختصات خاص خود هستند که در ادامه تلاش می‌کنم برخی از تفاوت‌ها را مشخص نمایم.

تفاوت‌های دو مواجهه دینی و فارغ از دین با معنویت:

جهت‌گیری دینی در مواجهه با معنویت، عمدتاً مبتنی بر پیروی از دینی خاص است. در بررسی که من انجام دادم، از بین ادیان موجود (که به دو دسته‌ی آسمانی و زمینی تقسیم می‌شوند)، تمرکز اینجانب

بر ادیان آسمانی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) بود، البته انکار ناپذیر است که به‌رغم وجود عنصر مشترک (پذیرش خداوند به‌عنوان آفریدگار و مدبر هستی) در این ادیان، اختلاف‌های قابل توجه در شیوه‌ی مواجهه با این عنصر مشترک و نحوه‌ی برخورد با آموزه‌های موجود در این ادیان، امکان ارائه‌ی نسخه واحد از آنها را می‌گیرد. با این توضیح و ضمن پذیرش محدودیت مذکور، با توجه به نضج مفهوم معنویت در دنیای غرب، مواجهه‌های دین مسیحیت (به‌عنوان دین جاری و نسبتاً پُرطرفدار مغرب زمین) با مفهوم معنویت در بحث ما پررنگ‌تر شده است، اما در عین حال تلاش شده است با ارائه نظرات و دیدگاه‌های موجود در دین اسلام، کاستی‌هایی که مسیحیت در برخورد با معنویت‌های نوپدید داشته است نیز روشن شود. با این توضیح باید گفت در رویکرد دینی به معنویت، «تربیت معنوی» مترادف با «تربیت دینی» است و راهی برای رستگاری و تحقق استعدادهای انسان است که خداوند به صورت بالقوه در او به ودیعه نهاده است. از این منظر، هدف تربیت معنوی، دستیابی به قرب الهی برای رسیدن به رضای اوست. فارغ از تفاوت‌های موجود در آموزه‌های ادیان آسمانی، معنویت در جهت‌گیری دینی، مبتنی بر پیام‌های سازنده‌ای است که برای انسان از طرف خداوند و از طریق وحی فرودآمده و انسان با دریافت و درک پیام‌های دینی و اجرای تعالیم ارائه شده در ادیان، به رشد و تعالی معنوی مورد نظر می‌رسد. در این رویکرد به معنویت، تلاش برای درک پیام الهی و قرار گرفتن در صراط مستقیم از مهم‌ترین وظایف فرد مؤمن محسوب می‌شود و توجه به ابعاد مختلف وجودی او از منظر دین در تربیت دینی از جایگاه ویژه برخوردار است.

در جهت‌گیری فارغ از دین (در مواجهه با معنویت)، مهم‌ترین وجه تمایز با جهت‌گیری دینی، مربوط به مفاهیمی چون خدا و حیات پس از مرگ است. البته در جهت‌گیری فارغ از دین، تنوع رویکردها بیشتر است، به گونه‌ای که طیفی از پذیرش خدا و حیات پس از مرگ (البته با تفاسیری خاص) تا رد کامل این مفاهیم، مشاهده می‌شود. به‌رغم این اختلاف ظاهری در برخورد با مفاهیم دینی، وجه اشتراک معنویت‌های فارغ از دین، مقابله با ادیان، یا در نگاهی معتدل‌تر، انتقاد از آنهاست. نشانه‌ی بارز این اتفاق نظر، شرایط تاریخی شکل‌گیری این جهت‌گیری است که نشان می‌دهد عموماً این تلقی از معنویت، با ادیان در تعارض بوده است. این گونه جهت‌گیری نسبت به معنویت، بیش از هر چیز معطوف به نیازهای معنوی (که متمرکز در بُعد عاطفی است) می‌باشد و به ابعاد دیگر وجودی انسان توجه خاصی ندارد، با این توضیح بارور کردن استعدادهای درونی انسان و به فعلیت رساندن آنها

مهمترین ماموریت این رویکردها بوده و اینکه این ظرفیت‌های درونی از کجا و چگونه در انسان قرار گرفته‌اند، جزء دغدغه‌های آنها محسوب نمی‌شود و نگرش به انسان در این رویکرد، مبتنی بر شرایط موجود اوست. در این جهت‌گیری، زندگی سعادتمندانه و برخوردار از آرامش و شادابی انسان در این دنیا مورد نظر است و دغدغه‌ی آینده و حیات پس از مرگ در آنها وجود ندارد و اگر هم به آن پرداخته شود، عمدتاً در شکل تناسخ و تکرار حیات در همین دنیا تصور می‌شود. بنابر آموزه‌های موجود در این نوع از جهت‌گیری نسبت به معنویت، تربیت معنوی، عملی است برای به فعلیت رساندن ظرفیت‌های درونی انسان و بیشتر آموزش‌های آن - که در قالب مراقبه ارائه می‌شود - حول همین موضوع است. در این جهت‌گیری، نسبت‌گرایی تا حدود زیادی پذیرفته شده است و این مسئله که انسان‌ها ساحت‌های وجودی مختلفی دارند که نیازهای آنها در هر یک از این ساحت‌ها، به طریق متفاوتی برآورده می‌شوند نیز کاملاً مقبول است.

با این توضیح و براساس بررسی‌های صورت گرفته، دو گونه جهت‌گیری نسبت به معنویت (دینی و فارغ از دین) را نمی‌توان منطبق بر یکدیگر تلقی کرد و هر یک از جهت‌گیری‌های دوگانه‌ی (دینی و فارغ از دین) نسبت به مسئله‌ی معنویت، اساساً مفروضه‌ها و اهداف متفاوتی دارند. باید توجه جدی داشت که بازگشت به معنویت که امروزه در مغرب زمین شایع شده است، جهت‌گیری و پیامی متفاوت از دین‌داری و تربیت دینی دارد و بنابراین فرآیند و پیامدهای تربیتی آن نیز متفاوت از تلقی معنویت با جهت‌گیری دینی است. به‌منظور تبیین دقیق‌تر تفاوت در دو نوع مواجهه با معنویت (دینی و فارغ از دین) ویژگی‌های هر یک در ادامه تصریح می‌شود:

ویژگی‌های معنویت با جهت‌گیری دینی:

- توجه به ماوراء الطبیعه
- ضرورت ارتباط با رب
- باور به اثرگذاری خداوند بر هستی و شرایط موجود
- برخوردار از نمادهای خاص (علامت، کتاب، کلام و ...)
- برخوردار از آداب خاص (مناجات و نیایش، نماز روز و ...)
- تمایل به توسعه پیروان (به‌جز یهودیت) و سازماندهی آنها

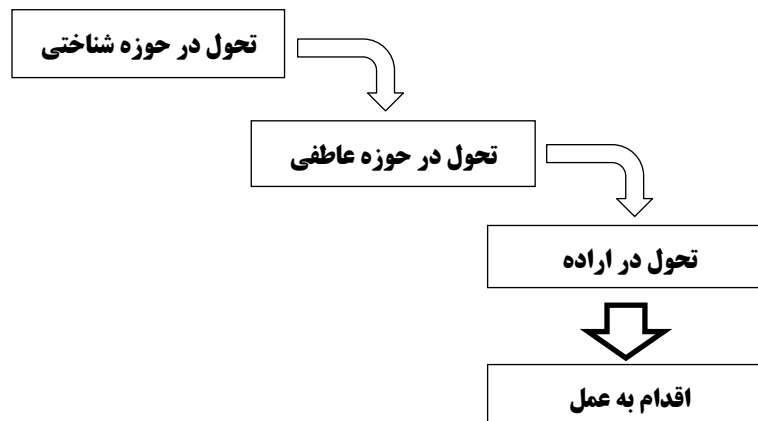
ویژگی‌های معنویت با جهت‌گیری فارغ از دین:

- تمرکز بر انسان و استعدادها و توان مندی‌های او

- همه جایی بودن (امکان معنوی بودن در هر مکان و شرایطی)
- تمرینات عملی فعال، متنوع و جذاب
- استفاده از ابزارهای خاص برای دستیابی به معنویت (فیلم، رمان، سخنرانی و ...)
- قائل بودن به سکولاریسم (جدایی معنویت از سایر امور زندگی)
- نگاه تجاری به آموزش معنویت (برگزاری کلاس‌های آموزش معنویت با دریافت هزینه)

رویکردهای متفاوت به مسیر تحقق عمل:

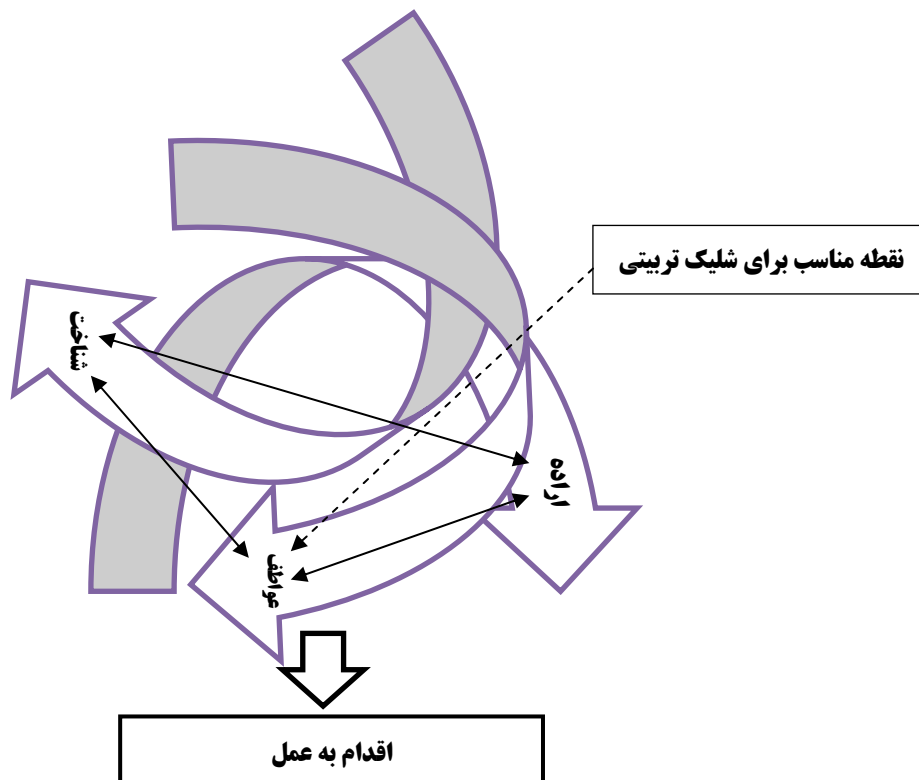
در رویکردهای تربیت‌دینی موجود (در جامعه معاصر ایران) باوری دال بر رابطه خطی میان بعد شناختی، عاطفی و رفتاری وجود دارد. به این معنی که اکثر رویکردهای تربیت‌دینی بر این باورند که برای تحقق یک عمل ابتدا باید معرفتی در انسان شکل بگیرد، سپس اسن معرفت زمینه‌ساز گرایشی شود و پس از آن اراده‌ای برای انجام عملی شکل گیرد تا آن عمل محقق شود. این رابطه خطی در شکل زیر مشاهده می‌شود:



همانطور که در شکل بالا دیده می‌شود، رابطه بین حوزه‌های وجودی انسان، رابطه‌ای خطی تصور شده است. دقت در نوع برنامه‌ریزی‌ها و برنامه‌سازی‌های دینی در جامعه امروز ایران (در جاهایی که برنامه‌ریزی از محوریت خاص برخوردار است) حاکی از آن است که در شرایط موجود برنامه‌ریزان ما علاقه خاصی به این مدل از نگرش به حوزه‌های وجودی انسان دارند. چنین نگاهی باعث شده است تاکید بر حوزه دانشی (با هدف آگاهی‌بخشی و شناخت‌دهی) در بسیاری از برنامه‌های تربیتی و

فرهنگی بسیار پررنگ باشد. به گونه‌ای که در هر فعالیت فرهنگی تهیه بروشور یا تنظیم سخنرانی آگاهی‌بخش از اهم واجبات شده است. در محتوای کتب درسی نیز همین موضوع غیر قابل انکار است. نکته قابل توجه اینکه شاید برخی با اشاره به فعالیت‌های جاری در هیئات مذهبی و یا مراسمات مذهبی صدا و سیما، بخواهند منکر ادعای تاکید بر حوزه شناختی باشند، اما واقعیت این است که تاکید اینجانب بر حوزه برنامه‌ریزی حوزه فرهنگی و تربیتی است و حال آنکه اغلب برنامه‌ریزان این حوزه‌ها، عملکردهای مطرح در هیئات مذهبی و یا موقعیت‌های مشابه را از حیث اثرگذاری منطقی تربیتی محل بحث و چالش می‌دانند. به هر حال، آنچه در این جلسه برای ما محل تامل و بحث است، این است که اولاً بپذیریم رویکرد خطی در رابطه شناخت تا تحقق رفتار؛ رویکردی مطلوب در نظام برنامه‌ریزی ماست و ثانیاً اینکه حاکمیت این نگاه در سال‌های قبل منتهی به این خروجی شده است که بسیاری از نوجوانان و جوانان ما اطلاعات زیادی درباره مسائل و احکام دینی دارند، اما این دانش‌ها نتوانسته است تولید کننده رفتارهای خاصی در آنها شده باشد (این مهم در جمع‌بندی بیش از یکصد پژوهش در حوزه ارزش‌ها و نگرش‌های نوجوانان و جوانان ایران، که در جریان پژوهش‌های پشتیبان سند تحول نظام آموزش و پرورش ایران توسط دکتر سعیدی انجام شده است و بنده هم افتخار همکاری در بخشی از آن را داشته‌ام، کاملاً مشهود است).

برخلاف رویکرد مطرح شده درخصوص رابطه بین شناخت، هیجان و رفتار؛ رویکردهای جدیدی در حوزه روان‌شناسی وجود دارد (البته ریشه‌های آن را می‌توان در رویکردهای قدیمی‌تری چون اگزستانسیالیسم، پراگماتیسم و ... مشاهده نمود) که حکایت از درهم‌تنیدگی حوزه‌های وجودی انسان در یکدیگر دارند. براساس این رویکردها (مثلاً شاید بتوان رویکرد DIR را تاحدودی شاهد بر این مدعا دانست)، ضمن درهم‌تنیدگی حوزه‌های وجودی انسان، در بسیاری از موارد نقطه شروع اولیه (نه همه توجه و تمرکز) حوزه هیجانی انسان باشد. به عبارت دیگر اگر حوزه هیجانی انسان با موضوعی درگیر شود، آنگاه تلاش برای شناخت آن موضوع و اقدام به عمل مرتبط با آن هم می‌تواند به دنبال آن مطرح شود. این مدل از رابطه در شکل زیر مشاهده می‌شود:



همانطور که در تصویر بالا هم مشاهده می‌شود، درهم‌تنیدگی سه حوزه شناخت، عواطف و اراده بسیار زیاد است و در واقع نمی‌توان هیچ‌یک از این سه حوزه را از یکدیگر تفکیک نمود یا عنصری خاص از هر یک را (به جز در عالم ذهن) بازنمایی نمود. بنابراین بی‌شک هیچ هیجانی فارغ از شناخت نخواهد بود؛ اما آنچه در این رویکرد مهم است، این است که موضوع مورد بحث قابلیت درگیر کردن حوزه هیجانی انسان را داشته باشد. با تحقق این مهم (درگیرسازی حوزه هیجانی) انسان قدرت مضاعفی برای رسیدن به تصمیم و اراده پیدا می‌کند و همین مهم باعث می‌شود تا ورودی‌های شناختی هم مورد کنترل قرار گیرند. یعنی انسانی که به اراده‌ای رسیده است، به دنبال جمع‌آوری شواهد مورد

نیاز برای تایید انتخاب خود است و به عبارت دیگر با کنترل ورودی های شناختی، اجازه ورود شواهد نقض کننده انتخاب خود را نمی دهد.

فرآیند تبلیغ و جذب در معنویت های نوپدید:

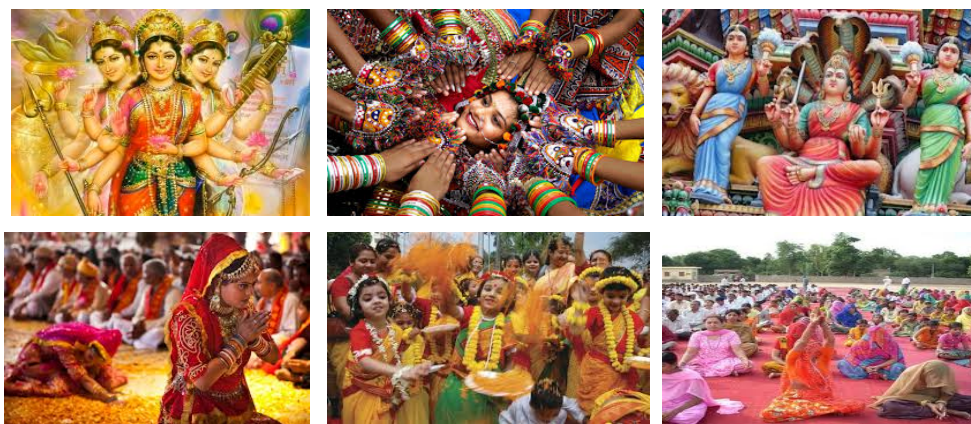
رویکرد دوم، رویکردی است که مبنای عمل در تبلیغ و جذب معنویت های نوپدید و مقابله آنها با ادیان آسمانی را نشان می دهد. بررسی دقیق تر عملکرد معنویت های نوپدید حاکی از آن است که شیوه های تبلیغی این معنویت های برای معرفی خود بیشتر متمرکز بر ابزاری چون هنر و رسانه، اینترنت، فیلم و... است. این معنویت ها با استفاده از ابزارهای یاد شده تلاش می کنند ضمن هدف گیری حوزه هیجانی افراد، زمینه را برای پذیرش شناخت هایی که به آنها ارائه می کنند فراهم نمایند. به عنوان مثال در فیلم هایی که تحت عنوان سینمای معنویت گرا ساخته می شود تلاش می کنند تا موضوع مورد نظر خود را از طریق یک فضای روانی مناسب (که در فیلم شرایط آن را فراهم می کنند) به مخاطب القا کنند. برخی از این نمونه ها در ادامه توضیح داده شده است:

- در فیلم «آواتار» تلاش می شود با توضیح نئیا های موازی، زمینه برای توجیه مساله تثلیث فراهم شود و با فراتر رفتن از آن، امکان مصنوعی بودن دنیا حاضر فراهم و امکان خروج از دنیای قبلی فراهم می شود.
- در فیلم «تلقین» ضمن تاکید بر قدرت بالای تخیل در انسان و امکان حضور در جهان ساخته ذهن، زمینه برای امکان خروج از وضعیت موجود با کمک تخیل فراهم می شود.
- در فیلم «نامحدود» با تاکید بر توان بالای ذهن انسان در فهم رابطه و دستیابی به قدرتی بسیار فراتر از قدرت موجود، امکان استفاده از ساخته های انسانی (مثل یک قرص شیمیایی) برای دستیابی به این تحول عظیم توجیه می شود.
- در سریال «فرار از زندان» تلاش برای توان بالای انسان در حل مسائل دشوار در دنیای امروز مورد نظر است. بر این اساس به نشان داده می شود که ستاره اخلاقی فیلم که از سطح بالایی از انسانیت و نوع دوستی برخوردار است، چگونه برای تحقق عدالت با استفاده از ظرفیت های ذهنی و روحی خود مجبور به خروج از قواعد اخلاق اجتماعی می شود و در نهایت در اوج کمک به دیگری با از خود گذشتگی، جانش را فدا می کند

هرچند می‌توان در مورد این تفسیرها، بحث‌هایی را ارائه نمود و تفسیرهای جایگزین یا مکملی را ارائه نمود، اما واقعیت غیرقابل انکار باین است که این فیلم‌ها (و آثار مشابه) دریچه‌ای را بر روی دیدگان بیننده باز می‌کنند که همراه با نگاهی نو و متفاوت به امور است و این مهم با ارائه استدلال‌های منطقی محقق نمی‌شود، بلکه از طریق اثرگذاری بر حوزه عاطفی - هیجانی محقق می‌شود.

یکی دیگر از مسائل دنیای امروز چگونگی مواجهه معنویت‌های نوپدید با ادیان نهادینه است. در این مواجهه برخلاف انتظار کسانی که رویکرد اول به رابطه بین شناخت، عواطف و عمل را دارند (رویکرد خطی) و معتقدند که بحث‌ها و چالش‌ها باید از حوزه شناخت شروع شود؛ معنویت‌های نوپدید اصلاً وارد حوزه شناخت نمی‌شوند و تلاش می‌کنند با اثرگذاری در حوزه عاطفی - هیجانی فرد، زمینه عدم توجه شناختی به دین خاص (دین رقیب) را فراهم نمایند. به‌عنوان مثال در مواجهه با دین اسلام، به‌جای بحث در مقدمات هستی، خدا، انسان، روابط و ... به صورت مستقیم وارد برون‌دادها می‌شوند و مخاطب را متقاعد می‌کنند که صرف‌نظر از آموزه‌های یک دین برون‌دادهای آن وسیله‌ی خوبی برای قضاوت درباره آن دین هستند. برای فهم دقیق‌تر این مهم بنده جستجویی در موتور جستجوگر «گوگل» (یکی از موتورهای جستجوی پر کاربرد) داشتم و خواستم ببینم وقتی ادیان مختلف را جستجو می‌کنیم، چه تصاویری، با فراوانی بالا، نماینده معرفی آن دین هستند. من پنج آیین هندوئیسم، بودیسم، یهودیت، مسیحیت و اسلام (از طریق معادل‌های نگلیسی آنها) را جستجو کردم و تصاویر زیر پیدا شد. به شما توصیه می‌کنم فارغ از رویکرد یک مسلمان به این تصاویر نگاه کنید و در پایان احساس خود را درباره اسلام (در کنار سایر ادیان) مطرح کنید.

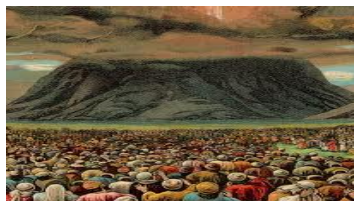
تصاویر مربوط به هندوئیسم



تصاویر مربوط به بودیسم



تصاویر مربوط به یهودیت



تصاویر مربوط به مسیحیت



تصاویر مربوط به اسلام



همانطور که ملاحظه می‌شود، در تمام این تصاویر، فقط تصاویری که در معرفی اسلام نشان داده شده است حاوی مضامین خشونت طلبی و بی‌اهمیتی به حقوق زن و ترویج تروریسم می‌باشد؛ در صورتی که بقیه تصاویر، حس خوشحالی، آرامش، نشاط، زیبایی و وحدت را در بیننده القاء می‌کنند. حال به نظر شما فردی که آشنایی زیادی با این ادیان ندارد، از نظر حس درونی (عاطفی - هیجانی) نسبت به کدام یک از این ادیان حس بهتری پیدا خواهد کرد و نحوه مواجهه او با اطلاعات به دست آمده از این ادیان در مراحل بعدی چگونه خواهد بود.

جمع‌بندی:

هرچند زمان و میزان اطلاعات بنده اجازه پرداختن دقیق به بحث جلسه را نداد، اما به نظر می‌رسد که همین مختصر هم می‌تواند زمینه‌ای را برای تأمل در مواجهه با رویکردهای معنوی نوپدید در ذهن ما بوجود بیاورد. اگر این بحث توانسته باشد این سوال را در ذهن ما پررنگ کرده باشد که «مسیر بهتر برای مواجهه با معنویت در پرتو تربیت دینی و نوع مواجهه با جوان امروز در جو روانی موجود در عرصه معنویت چیست؟» من فکر می‌کنم که به نتیجه مطلوبی دست پیدا کرده باشیم. همچنین امیدوارم بتوان در آینده این موضوع را در قالب یک مقاله علمی (به صورت دقیق‌تر) ارائه نمایم.

